

ریشه‌شناسی نزاع دسته‌جمعی شهری (ستیز جمعی) و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهرستان مشکین‌شهر طاها عشایری^۱، جعفر حسینی فر^۲، الهام عباسی^۳، علیرضا نطقی^۴، علی جسارتی^۵

چکیده:

نزاع و درگیری به زدوخورد بین بیش از دو نفر یا گروه‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. تاریخ جوامع بشری حاکی از ستیز و کشمکش اجتماعی بین گروه‌ها بر سر منابع کمیاب، توزیع ناعادلانه ثروت و وجود کینه‌های تاریخی و انتقام‌گیری از یکدیگر است. استان اردبیل، جزء یکی از مناطق در حال توسعه از نظام سنتی به نظام نوین با تغییرات فرهنگی-اجتماعی سریع است. جامعه‌ای که ارزش‌های سنتی‌اش سست شده اما ارزش‌های مدرن نیز نتوانسته‌اند، جایگزین آن شوند؛ در چنین وضعیتی نزاع و درگیری بر اثر گسست فرهنگی و هنجاری به شدت افزایش می‌یابد. ارزش‌های سنتی تا حدودی کارکرد خود را در معنا بخشی به زندگی افراد از دست داده و ارزش‌های مدرن نیز آن‌چنان نهادینه نشده‌اند که پاسخگوی این کارکرد معنا بخشی باشند. در چنین وضعیتی، جامعه شکل آنومی (بی‌هنجاری) به خود می‌گیرد. نزاع و ستیز جمعی معمولاً ناسازگاری گروه‌ها در سنخ جوامع در حال گذار است. آمارهای رسمی حاکی از افزایش میزان نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل به‌ویژه شهرستان مشکین‌شهر بوده و به این سبب، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع دسته‌جمعی در این شهرستان با استفاده از نظریه سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، بوم‌شناسی شهری و آنومی اجتماعی است. روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی (کمی) بوده و با ابزار پرسشنامه بسته پاسخ در قالب طیف لیکرت انجام گرفته است. حجم جامعه آماری برابر با ۶۶۰۰۰ نفر بوده که طبق فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به‌طور تصادفی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. بر این اساس، نتایج نشان می‌دهد که نزاع دسته‌جمعی در سطح بالا (۴۲٪)، متوسط (۲۷٪) و پایین برابر با (۳۱٪) بوده است. یافته‌ها حاکی از این است که متغیرهای میزان اعتقادات مذهبی (۲۵٪-)، اعتماد اجتماعی (۳۵٪-)، قانون‌گرایی (۶۳٪-)، حاشیه‌نشینی (۴۵۷٪)، میزان بیکاری (۱۹٪)، طایفه‌گرایی (۳۴٪) و بی‌سازمانی اجتماعی شهری (۴۲٪-) با نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌دار و متغیر بازدارندگی اجتماعی فاقد رابطه معنی‌داری بوده است.

واژگان کلیدی: قانون، اعتماد اجتماعی، جامعه در حال گذار، توسعه، ستیز جمعی

مقدمه:

۱- دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول t.shayeri@gmail.com

۲- کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران jafarhoseinifar@yahoo.com

۳- هیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، E_abbasi55@yahoo.com صندوق پستی: ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵

۴- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

۵- کارشناس ارشد جغرافیا، باشگاه پژوهشگران جوان، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

نزاع دسته‌جمعی جزئی از آسیب‌های اجتماعی است که باعث ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی در جامعه می‌شود (ابراهیمی و قلی زاده، ۱۳۹۲: ۱۱). به‌زعم بوردیو^۶ هر میدانی در جامعه، فضایی از منازعه، سلطه و قدرت است. میدان همان زمینه‌های اجتماعی است که کنشگران در آن قرار می‌گیرند و در همین فضا، قدرت به مفهوم سلطه بر دیگری با مکانیسم فرهنگی نظیر سلیقه، ذائقه، دارایی، سرمایه و دانش صورت می‌گیرد، پس نزاع و درگیری، امری نهفته در میان روابط کنشگران اجتماعی است (بوردیو، ۱۳۹۲). وی نزاع و درگیری را به مفهوم اجتماعی^۷ فرهنگی در نظر می‌گیرد که حاصل فضای نابرابر اجتماعی است. پس‌زمینه یک فضای منازعه آمیز است که کنشگران مسلط، سعی در بازتولید سلطه خود دارند که گاهی به شکل خشونت نمادین و غیرقابل رویت نمایان می‌شود. این منازعه بر اساس قواعد اجتماعی حاکم بر میدان و چگونگی تعریف آن، صورت می‌گیرد (شامپاین^۸، ۱۳۸۹). نزاع ناشی از شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه است (جیمز و فریدمن^۹، ۲۰۰۶). نزاع دسته‌جمعی جزئی از پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی است. جوامع بیشتر سال‌ها و روزها را در نزاع و درگیری خونین با همسایه‌ها و جوامع بیرونی خود سپری کرده‌اند. نزاع به حالتی خشن از رفتار و نمود برونی آن اطلاق می‌شود که ناخواسته و برحسب فشار عصبیت و تحریک احساسات درونی، انسان‌ها و گروه‌ها را به تنش و درگیری سوق می‌دهد. وقوع چنین پدیده‌ای، میزان صمیمیت و دوستی را کاهش و دشمنی و کینه را در بین آنان افزایش داده است. ریچارد اسملی، نزاع و خشونت را یکی از شش مشکل بزرگ جوامع بشری ذکر کرده است. نزاع معمولاً در اثر از بین رفتن زیرساخت‌های اجتماعی و اکوسیستم، کاهش هزینه‌های اجتماعی، قحطی، مهاجرت و بی‌اعتمادی نسبت به هم رخ می‌دهد (اسملی^۹، ۲۰۰۳؛ آنتون^{۱۰}، ۲۰۰۲ و مور^{۱۱}، ۱۹۹۲).

بیان مسئله: نزاع دسته‌جمعی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن گروهی بر سر کمیابی منابع، ناسازگاری ارزش‌ها و دخالت اطرافیان با هم درگیری می‌شوند و این امر تحت تأثیر ساختار سنتی جامعه، هراس اجتماعی، تعدد منابع قدرت، قدرت‌طلبی و حاکمیت زور و عرف به‌جای قوانین مدنی می‌باشد (نیازی و عشایری، ۱۳۹۴). نزاع به درگیری بین گروهی اطلاق می‌شود که بر سر ناسازگاری ارزشی، مسائل ناموسی، کمیابی منابع، فشار گروه‌ها، عصبیت اجتماعی و مواردی از این نوع در جوامع عشایری رخ می‌دهد (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱). نزاع و خشونت، تابع مکان نیست و در هر جا می‌تواند بروز کند و ریشه در مسائل اجتماعی چون تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی دارد (دگوم و دبارتی^{۱۲}، ۲۰۱۰). به‌زعم روسو، نخستین انسانی که دور قطعه زمینی حصار کشید و به این فکر افتاد که بگوید این مال من است و مردمان را آن‌قدر ساده یافت که گفته او را باور کنند (شارون، ۱۳۸۸: ۱۱۳) که ستیزه‌گری سرمنشأ همین حس مالکیت است. در چنین وضعیتی قوانین تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل

^۶ Bourdieu

^۷ Champagne

^۸ James & Friedman

^۹ Smalley

^{۱۰} Anton

^{۱۱} Moore

^{۱۲} Degomme & Debarati

می‌شوند، زیرا قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است (میر فردی، ۱۳۸۸: ۶۵). پدیده نزاع‌های جمعی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پابندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هم‌وطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پور افکاری، ۱۳۸۳: ۳). با توجه به اینکه ایران یک کشور قومیتی است و تاریخ سیاسی آن در مقاطع مختلف با نقش فعال این قبایل گره‌خورده است به‌دوراز نقش مثبت و گاه منفی این قبایل هر از چند گاهی در درون این گروه‌ها برخوردهایی صورت می‌گیرد که آثار تخریبی آن آسایش و امنیت را به سبب قتل و کشتارهای متعدد از مردم سلب می‌نماید (عادلی، ۱۳۹۲). افزایش رو به رشد نزاع دسته‌جمعی در برخی از استان‌های کشور، باعث شیوع نگرانی اجتماعی و ترس از جرم شده است. آمارها حاکی از افزایش نزاع خیابانی و مملو بودن دادگاه‌ها و کلانتری‌ها از شاکسانی است که به دلایلی مختلفی وارد نزاع و درگیری شده‌اند. استان اردبیل، نیز طی چند سال اخیر یکی از خشن‌ترین استان‌های کشور و پر نزاع بوده است. این امر حاکی از فرسایش سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی اجتماعی از یک طرف و بی‌سازمانی اجتماعی و فروپاشی اخلاق مدنی از سوی دیگر است. در اصل، با از بین رفتن علقه و پیوندهای عاطفی-اجتماعی، حرمت و منزلت انسانی کاهش پیدا کرده و سکونتگاه‌های شهری حالتی طایفه‌ای-خویشاوندی به خود گرفته است. ترس از جرم، وجود ناامنی‌های محیطی و نزاع و درگیری در گذر زمان، هم‌پشتی و حمایت از هم ایلی را حتی در فضای شهری به دنبال داشته که خود زمینه‌ساز بازتولید فضای نزاع و درگیری و ارج نهادن به قوم‌و خویش به جای قانون و نظام قضایی رسمی است.

ضرورت پژوهش:

نزاع یکی از معضلات اجتماعی شهری در استان اردبیل، به‌ویژه در شهرستان مشکین‌شهر است، جدول (۱)، حاکی از بالا بودن میزان نزاع و درگیری در استان اردبیل می‌باشد.

جدول (۱): وضعیت نزاع در کشور با تأکید بر استان اردبیل

استان	زن	مرد	جمع
آذربایجان شرقی	۱۴۰۵	۳۸۸۲	۵۲۸۷
آذربایجان غربی	۱۰۵۳	۲۹۴۸	۴۰۰۱
اردبیل	۵۱۳	۱۵۵۴	۲۰۶۷
اصفهان	۲۱۰۱	۴۵۴۷	۶۶۴۸
البرز	۱۳۵۵	۲۲۷۳	۳۶۲۸
ایلام	۱۲۹	۴۲۷	۵۵۶
بوشهر	۲۳۶	۷۰۲	۹۳۸
تهران	۵۷۱۵	۱۰۴۹۲	۱۶۲۰۷
چهارمحال و بختیاری	۳۲۹	۸۶۶	۱۱۹۵
خراسان جنوبی	۲۴۴	۳۹۹	۶۴۳
خراسان رضوی	۲۴۳۳	۴۶۸۸	۷۱۲۱
خراسان شمالی	۳۹۱	۹۳۴	۱۳۲۵
خوزستان	۹۶۷	۲۷۷۷	۳۷۴۴
زنجان	۴۴۱	۱۰۷۸	۱۵۱۹
سمنان	۲۹۱	۵۴۰	۸۳۱
سیستان و بلوچستان	۲۹۴	۹۹۳	۱۲۸۷
فارس	۱۸۳۰	۳۴۰۶	۵۲۳۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

آمارهای فوق نشان از این است که نزاع در استان اردبیل به دلیل ساختار طایفه‌ای، ایلی بودن، کم توسعه‌یافتگی و همچنین افزایش بیکاری، با مسئله نزاع روبرو بوده و در طی این سال‌ها همچنان در حال افزایش بوده است.

جدول (۲): وضعیت نزاع در مشکین‌شهر در مقایسه با سایر شهرستان‌ها



منبع: دفتر تحقیقات استان اردبیل، نیروی انتظامی، ۱۳۹۳

نمودار فوق، حاکی از افزایش کلی نزاع در شهرستان مشکین‌شهر بوده است که سطح بالایی از مهاجران، حاشیه‌نشینان و کارگران فصلی و دائمی در مشاغل گوناگون را به خود اختصاص داده است. وجود زندگی سنتی به دلیل متکی بودن گذران معیشت مردم به کوچ‌نشینی، کشاورزی و دامداری و کمی درآمد، بیکاری گسترده و گرایش آن‌ها به حاشیه‌نشینی، در افزایش هنجارشکنی و نزاع و درگیری مردم تأثیر داشته است. با توجه با آمارها و ارقام فوق، هدف اصلی این پژوهش آن است که ۱- چه عواملی در شکل‌گیری نزاع دسته‌جمعی تأثیرگذار است و ۲- چگونه می‌توان از افزایش نزاع و درگیری در شهرستان مشکین‌شهر کاست؟

پیشینه پژوهش:

- رامی^{۱۳} (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان نزاع قبیله‌ای در کشور لیبی انجام داده است، یافته‌ها حاکی از این است که ساختار طایفه‌ای، زندگی کوچ‌نشینی، ناهمگونی قومی و بی‌سازمانی اجتماعی زمینه‌ساز خشونت و نزاع بین مردم است.

- رایس^{۱۴} (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان نزاع زنان و کودکان در سودان نشان می‌دهد که در طی نزاع گروهی بیش از ۱۸۵ نفر کشته می‌شوند و علت نزاع امری ناشناخته مانده است. بر این اساس، حاکمیت زور، مسائل ناموسی، بی‌اعتمادی و فقدان نظارت از سوی نهادهای دولتی در مدیریت نزاع منجر به قتل و خونریزی می‌شود.

- عبدل عزیز^{۱۵} (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان نزاع دسته‌جمعی قبیله‌ای در دارفور به این نتیجه می‌رسد که در این‌گونه نزاع‌ها ۶۴ نفر و یا بیشتر کشته می‌شوند، مسائل احساسی و غیرتی، دخالت دیگران، حاشیه‌نشینی گسترده، مهاجرت و بی‌هم‌ریختگی فضای اجتماعی، کمیابی منابع و ایلیاتی بودن در گرایش به نزاع تأثیر دارد.

¹³. Rami

¹⁴. Rice

¹⁵. Abdelaziz

- زب^{۱۶} (۲۰۱۱)، پژوهشی با عنوان ساختار قدرت سنتی و نزاع‌های قومی^{۱۷} سیاسی در بلوچستان به این نتیجه می‌رسد که نزاع مسئله‌ای است که از ساختار سنتی جامعه نشئت می‌گیرد و علت اصلی آن در هنجار، فرهنگ، قدرت‌طلبی افراد و بی‌حرمتی افراد به یکدیگر است.

- پرنٹی^{۱۷} (۲۰۱۱)، پژوهشی با عنوان تأثیر اقلیم بر خشونت و آشفتگی تأکید می‌کند که شرایط اقلیمی، تغییرات آب و هوایی، خشک‌سالی و مواردی مرتبط با آن در خشم و خشونت و گرایش افراد به نزاع گروهی تأثیر دارد.

- سقزچی (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به نزاع و درگیری فردی و جمعی در بین شهروندان شهر اردبیل نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل شامل (محرومیت نسبی، انومی اجتماعی، پیوند اجتماعی، تجربه عینی نزاع، تحلیل هزینه^{۱۸} پاداش نزاع، طبقه اجتماعی و بیگانگی فرهنگی - اجتماعی) و گرایش به نزاع و درگیری فردی و جمعی در بین شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

- درویشی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان مطالعه ریشه و پیامدهای وقوع نزاع دسته‌جمعی در شهرستان هندیجان نشان می‌دهد که ناآگاهی اجتماعی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، کمیابی منابع، بی‌توجهی به عرف و طایفه‌گرایی عامل اصلی شکل‌گیری نزاع دسته‌جمعی هستند.

- احمدی اوندی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی به این نتیجه رسید که تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، همبستگی درون‌گروهی، تقدیرگرایی و سنت پرستی، خویشاوند‌گرایی، مسائل ناموسی، فرهنگی شدن خشونت و نزاع، نخبگان اجتماعی (ساختار پاتریمونیالیسم)، کمیابی منابع، بیکاری، انتخابات، تزلزل در مدیریت اجتماعی، بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، بیگانگی‌گریزی و اختلافات تاریخی (زمان ارباب^{۱۹} رعیتی)، بستر و زمینه نزاع دسته‌جمعی را مهیا می‌کند.

عابدینی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان فرا تحلیل نزاع دسته‌جمعی به این نتیجه می‌رسند که متغیرهای مستقلی از جمله سن، جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، پرخاشگری، احساس محرومیت، انومی، اختلافات فرهنگی، اختلافات ملکی، تعلق قومی و قبیله‌ای و تحصیلات در گرایش به نزاع دسته‌جمعی تأثیر معنی‌داری دارد.

جمع‌بندی پیشینه و نوآوری پژوهش حاضر: تحقیقات صورت گرفته در زمینه نزاع دسته‌جمعی، بیشتر در محیط‌های روستایی صورت گرفته و محل نمونه آماری، اکثر روستا بوده و همچنین در اکثر آن‌ها مسئله کمیابی منابع یا مسائل طایفه‌ای بیشتر علت اصلی نزاع و درگیری عنوان شده است، اما این پژوهش اولاً در سطح شهر صورت گرفته و به نزاع دست‌جمعی در بین ساکنان شهر می‌پردازد و ثانیاً سعی نموده تا دیدگاهی عمیق و نسبتاً جامع به عوامل مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی داشته باشد.

مبانی و چارچوب نظری

¹⁶. Zeb

¹⁷. Parenti

منازعه در لغت به معنای نزاع کردن و ستیزه کردن (معین، ۱۳۸۷: ۱۰۵۲) و از ماده نزع و نزاع به معنای درگیری و زدوخورد است (حبیب زاده و جعفری، ۱۳۸۸: ۲۳۶) و در نتیجه نیاز به اقدام متقابل دارد (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

آنومی اجتماعی: آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست بدهد. در چنین شرایطی، افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند؛ بنابراین، افراد دچار احساس تشویش، سردرگمی و فقدان راهنمای اخلاقی می‌شود. تقاضاها و خواهش‌های مادی آن‌ها بی‌حساب و کتاب افزایش می‌یابد و خودخواهی‌ها بر آن‌ها غلبه می‌یابد. شرایط نابسامانی که مستعد بی‌نظمی، جرم و انحراف است، همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچ‌گونه ملاکی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود (اسلامی بناب، ۱۳۸۸: ۴۶). در نظر دورکیم، پیامدهای آنومی در شکل نوعی نابسامانی فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگر خواه او متجلی می‌شود؛ نتیجه این تعارض این است که خواسته‌های وجدان جمعی، کار آیی خود را از دست می‌دهد. تضعیف فشارهای جمعی نیز موجب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند. با تبیین این تئوری در چنین شرایطی، رفتارهای کجروانه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱). از نظر صاحب‌نظران این رویکرد، مسائل اجتماعی انعکاس تخلف از انتظارات به هنجارها در جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه رفتارها از هنجارها فاصله بگیرند، کجروی شکل می‌گیرد. از نظر این رویکرد، علت اصلی کج رفتاری در جامعه‌پذیری نامتناسب نهفته است. مرتن، علت اصلی مسائل اجتماعی و بروز رفتارهای انحراف گونه را در ساخت اجتماعی جامعه می‌داند. بر این اساس، هرگاه در جامعه‌ای بین اهداف (ساختارهای فرهنگی) و وسایل نیل به اهداف (ساختارهای اجتماعی) انسجام و هماهنگی وجود نداشته باشد رفتارهای انحرافی شکل خواهد گرفت (معیدفر، ۱۳۸۹: ۴۲) که شامل الف) - نوآوری و ابداع: شیوه‌ای است که در آن فرد اهداف نهادی شده را تعقیب می‌کند، اما وسایل مشروع و مورد قبول جامعه را در رسیدن به اهداف به کار نمی‌برد و سعی می‌کند با خلق و ابداع شیوه‌های غیر هنجاری، خلاف قانون و عرف اجتماعی به اهداف خود برسد (گیدنز، ۱۳۸۶). ب) - انزوایی: شیوه‌ای است که در آن افراد به دلیل ناموفق بودن خود در دسترسی به اهداف اجتماعی سعی می‌کنند که خود را از جامعه دور نگه دارند تا هم از اهداف و هم از وسایل نهادی شده غفلت پیدا کنند. به عبارت دیگر، این افراد هم اهداف و هم وسایل نیل به اهداف را قبول ندارند. ج) - شورش: شیوه‌ای است که افراد در آن ضمن آنکه اهداف و وسایل نهادی شده جامعه را برای موفقیت فردی و اجتماعی خود و دیگران کافی نمی‌دانند، درصدد هستند تا با خلق اهداف و وسایل نیل به اهداف جدید و از طرق خشونت، شورش و کودتا به اهداف خود برسند (تنهایی، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

بی‌سازمانی اجتماعی: نظریه بی‌سازمانی اجتماعی عبارت است از گسیختگی در روابط و تناسب کار گروهی و اخلاق در میان گروه‌هایی از اشخاص که به یکدیگر مرتبط‌اند و این گسیختگی به جامعه آسیب می‌رساند (ممتاز،

۱۳۸۵). اصطلاح بی‌سازمانی، فقدان سازمان را می‌رساند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۴۰۰). در واقع، بی‌سازمانی اجتماعی بر اثر به هم خوردن یا از بین رفتن به هم پیوستگی سازمان اجتماعی به وجود می‌آید (سخاوت، ۱۳۸۴). از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول درهم‌ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. اشکال گوناگون نابهنجاری، نتیجه دگرگونی و گسیختگی قوانین نظام بخش و سازمان دهنده‌ای است که قبلاً وجود داشته‌اند (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۳). برحسب بی‌سازمانی اجتماعی، علل اصلی ماندگاری و پویایی جوامع بشری پایبندی به قانون است. به‌زعم هابز قانون انسان‌ها از توحشش به مدنیت و قاعده‌مندی سوق داده و امیال و غرایز بشری را در جهت صلح و همزیستی تعدیل نموده است. یا به تعبیر نوربرت الیاس، آشنایی بشر با قوانین جامعه و نهادینه‌سازی منجر به این شد که نزاع و خشونت در صحنه آشکار و علنی جامعه رخت بربندد و مردم از بروز آن اجتناب نمایند. وی علت اصلی آن را قانون‌گرایی مردم و نظم‌پذیری مردم می‌داند (ریترز، ۱۳۹۲). جامعه قانون‌گرا جامعه‌ای است که در آن قوانین رعایت شود و همه مردم در برابر اجرای قوانین مساوی رهبران آن قانون‌پذیرترین انسان‌ها باشند. چنین رفتاری مستلزم آن است که افراد جامعه در هر مقطع از پویایی و تحرک جامعه و تناسب آن، قانون‌مدار و قانون‌پذیر باشند و رفتارشان جلوه کامل آن باشد. هماهنگی با قوانین جامعه هم‌رنگی نیز نام دارد. هم‌رنگی نشان از انسجام در رفتار، عقاید، نگرش اعضای جامعه است؛ که در آن گروهی از افراد سهم هستند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). مذهب زمینه هم‌نوازی و کاهش جرم و خشونت را ممکن می‌سازد (توسلی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). مهم‌ترین ملاک تشخیص بی‌سازمانی اجتماعی، فقدان هماهنگی در جامعه است که باعث تعارض و ستیز بین برخی از جنبه‌های یک جامعه با جنبه‌های دیگر می‌گردد (ستوده، ۱۳۸۸). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، هم‌چنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی می‌داند (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). هم‌چنین این نظریه‌ها قریب به اتفاق مسائل اجتماعی را محصول انهدام سنن، تعارض قواعد اجتماعی، فقدان قواعد متنوع رفتاری در سطح جامعه (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری، ضعف قوانین و ناهماهنگی نهادها و مناسبات اجتماعی که در نتیجه تغییرات سریع اجتماعی و برهم زنده تعادل آن به وجود آمده است و باعث احساس ناکامی در افراد و انهدام کنترل اجتماعی می‌شود، می‌داند. پیروان نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی راه‌حل مسائل اجتماعی را در ایجاد قوانین کارآمد یا کاهش سرعت تغییرات اجتماعی در راستای احیای هماهنگی پیشین نظام اجتماعی خلاصه می‌کنند (کاوه، ۱۳۹۱).

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی نوعی از پیوند اجتماعی است که با مسئله نزاع و درگیری ارتباط نزدیکی دارد. به این معنی که مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه و هنجارهای حاکم بر آن می‌توانند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نمایند. به عبارت ساده‌تر، فرد در طول زندگی اجتماعی خود به انحای مختلف و به میزان‌های مختلفی و به کیفیت‌های متفاوتی با شبکه‌های اجتماعی در ارتباط است (رضایی و احمدلو، ۱۳۸۴: ۱۶). سرمایه اجتماعی درجه انسجام اجتماعی در جوامع را نشان می‌دهد. به فرایندهای بین مردمی که شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی را

بنا می‌نهند، بازمی‌گردد و هماهنگی و همیاری برای منافع مشترک را تسهیل می‌کند (گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، ۱۳۸۷: ۱۴). افه^{۱۸} سرمایه اجتماعی را دربرگیرنده روابط انجمنی، اطمینان به نهادها و اعتماد بین اشخاص و اقوام و خیرخواهی می‌داند. از نظر وی، عوامل تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در کم و کیف سرمایه اجتماعی مؤثر است. وی سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یکی از عوامل کارایی و توسعه اقتصادی، نظم و صلح جهانی، احساس امنیت و توسعه معرفی می‌کند (عبدالهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). از دیدگاه فوکویاما، سرمایه اجتماعی، مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۲۳). سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر نماید (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۵۱). سرمایه اجتماعی مصداق یک هنجار غیررسمی است که همیاری بین دو یا چند نفر را تقویت می‌کند (گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، ۱۳۸۷: ۱۴). از نظر استون^{۱۹}، سرمایه اجتماعی بر ظرفیت مردم برای با هم بودن به‌منظور حل جمعی مشکلات و دستیابی به نتایج متقابلاً سودمند اثر می‌گذارد و این سرمایه اجتماعی است که افراد و خانواده و اجتماعات را به با هم بودن و با هم گذراندن قادر می‌سازد (غفاری، ۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون‌گروهی است و هر چه میزان آن بالاتر باشد، دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت، سرمایه اجتماعی به‌اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد، بستگی به برقراری نظام‌های نظارتی و کنترل پرهزینه پیدا خواهد کرد. در مقابل، وجود سرمایه اجتماعی به میزان کافی و مناسب، سبب برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل شده و هزینه‌های تعاملات و همکاری‌های گروهی کاهش می‌یابد و در نتیجه عملکرد گروه بهبود می‌یابد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۲: ۴۱ و ۴۲). پاتنام، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را حول خانواده، خویشاوندان و دوستان صمیمی می‌داند این نگاهی درون‌گرایانه است و افراد متعلق به یک رده جامعه‌شناختی مشابه را گرد هم می‌آورد. این نگاه به تقویت هویت‌های انحصاری و گروه‌های همگون گرایش دارد. این نیز از پیوندهای ضعیف و پیوندهای قوی استفاده می‌کند. پیوندی قوی را این‌طوری تعریف می‌کند که از اصل همانندی پیروی می‌کنند و افراد را با افرادی مشابه با خودشان پیوند دهند، پیوندهای ضعیف افراد مربوط به پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت را گرد هم می‌آورد اثر منفی همبستگی ناشی از سرمایه اجتماعی نیز در بین اجتماعات انسانی بسیار مشهود است. دلیل آن این است که اغلب همبستگی گروهی در اجتماعات انسانی به قیمت خصومت علیه همبستگی برون‌گروهی ایجاد می‌شود. به نظر او اعتماد نقش مهمی در سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند. وی نتایج منفی سرمایه اجتماعی را با استفاده از ایده شعاع اعتماد تشریح می‌کند. هر چه شعاع اعتماد محدود به اعضای گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر می‌شود (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰۹). منازعه نه‌تنها موجب یکپارچگی گروه می‌شود بلکه به ایجاد هویت گروهی نیز کمک کرده، مرزهای گروه را روشن‌تر ساخته و انسجام گروه را افزایش می‌دهد (کوزر، ۱۳۹۱: ۱۰۰). به عقیده استیون پینکر مرگ‌هایی که در اثر جنگ اتفاق افتاده‌اند در طول ۶۰۰۰ سال گذشته کاهش یافته‌اند (پینکر^{۲۰}، ۲۰۱۴). گرچه ما انسان‌ها هنوز تمایلات پرخاشگرانه داریم، اما طبیعت بشر با عوض شدن فرهنگ تغییرات در اخلاق اصلاح‌شده است

¹⁸. Clavs Offeh

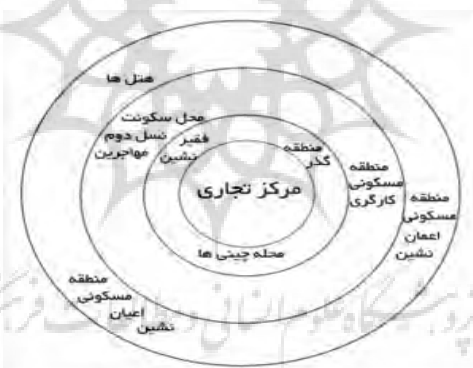
¹⁹. Stons

²⁰. Pinker

(هورگان^{۲۱}، ۲۰۱۱: ۶۷). مورد دیگر افزایش احساس نوع دوستی است که باعث ایجاد احساس همدلی و دلسوزی نسبت به رنج و سختی دیگران در کره خاکی ما می شود. با این وجود خشونت گروهی هنوز به طرز تکان دهنده ای جزئی از وجود ماست. حیوانات برای منابع محدود غذایی با یکدیگر می جنگند، ولی انسان ها برای دو دلیل دلایل زیست شناختی و دلایل فرهنگی باهم می جنگند (پینکر، ۲۰۱۴: ۲۲). ما به تنهایی برای دفاع از شرف و ارزش هایمان می جنگیم (بوید^{۲۲}، ۲۰۱۲). خشونت بشر منحصر به فرد است و به عقاید، باورها و نمادهای هویت فرهنگی ربط دارد افزون بر آن، خشونت جزئی از ساختار اجتماعی ما نیز هست (هارمن^{۲۳}، ۲۰۱۲).

دیدگاه بوم شناسی: دیدگاه بوم شناسی شهری، صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای گیری مناسب تر در بهترین فضای شهری تحلیل می کند (پیران، ۱۳۸۰: ۳۳). در این زمینه بر گس و ورث معتقدند که علت شکل گیری مناطق حاشیه نشین تمرکز گروه های فقیر در نواحی فاقد امکانات است (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۹۰). بوم شناسی شهری، بیان می کند که تمرکز خویشاوند محور در یک مکان های حاشیه ای، بی سازمان، به دوراز نظارت اجتماعی و محل تجمع مهاجران شهری، زمینه ساز نابهنجاری اجتماعی و نزاع و درگیری است. در چنین محیطی به علت عدم دسترسی نظام پلیسی و برخورد با قانون شکنان، انتظار وقوع هر نوع جرائم خشنی وجود دارد.

نمودار (۲): ارتباط مناطق شهری با جرائم اجتماعی



به زعم پارک نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه های ساکنین جلوگیری کرده و باعث رواج انحرافات اجتماعی می گردد. سازمان فیزیکی شهر تأثیر عمیقی بر الگوهای فرهنگی - اجتماعی زندگی شهری می گذارد. استارک پنج جنبه از ساختار شهری یعنی تراکم، فقر، کاربردی مختلط، کوچگری و خرابی و فروریختگی ساختمان ها را به عنوان فاکتور پیش بینی کننده ارتکاب جرم در محلات و کاهش نظارت اجتماعی غیر رسمی برشمرد (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۸). در این دیدگاه از بعد اقتصادی فقر، بیکاری، نابرابری درآمدی و فشار شغلی عامل اصلی نزاع و درگیری هستند (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از پیامدهای نامطلوب حاشیه نشینی، پایین آمدن ضریب امنیت اجتماعی در

21. Horgan

22. Boyd

23. Herman

شهرها است. پایین بودن سطح سواد مهاجرین، فقدان مشاغل تخصصی در مقابل مشاغل همچون دستفروشی، کوپن‌فروشی، فروش مواد مخدر، فروش مشروبات الکلی، دزدی، جنایت، فحشا و گسترش بیماری‌های اپیدمی‌مانند ایدز و... همه این موارد به‌نوعی در فضای شهر وجود دارد. در نظریه فشار به بلوکه شدن فرصت‌های اقتصادی^{۲۴} اجتماعی به‌عنوان عاملی در جرم و بزهکاری نظیر نزاع و خشونت توجه می‌شود. از نظر آگنیو عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت است که باعث هدایت افراد به سمت کانال‌های نامشروع می‌شود (آگنیو^{۲۴}، ۱۹۹۹: ۱۲۷).

دسته‌بندی عوامل کلی نزاع و درگیری:

۱- **عوامل فرهنگی:** از جمله پایین بودن سطح سواد در جامعه، جامعه‌پذیری نامناسب، وجود دوستان و هم‌سالان نزاع‌گر در بین جوانان، تنزل پیدا کردن فرهنگ استفاده از ریش‌سفیدان در حل و فصل نزاع، فرهنگ کم‌توجه به استفاده از اشخاص باتجربه و بزرگ‌تر در خانواده در حل مسئله نزاع، ضعف آموزش فرهنگی، مورد تأیید قرار گرفتن رفتار منازعه‌گرانه، وجود فرهنگ جوسازی و تحریک، وجود روحیه تهاجمی و برتری‌جویی، ضعف در فرهنگ مذاکره و گفتگو، قهرمان‌پروری، افتخار قوی به پیروزی در نزاع‌ها، وجود خرده‌فرهنگ‌ها، ازدواج‌های طایفه‌ای، تعصبات ناموسی، تعصبات قومی و قبیله‌ای، قانون‌گریزی مردم، ضعف احترام به حقوق شهروندی.

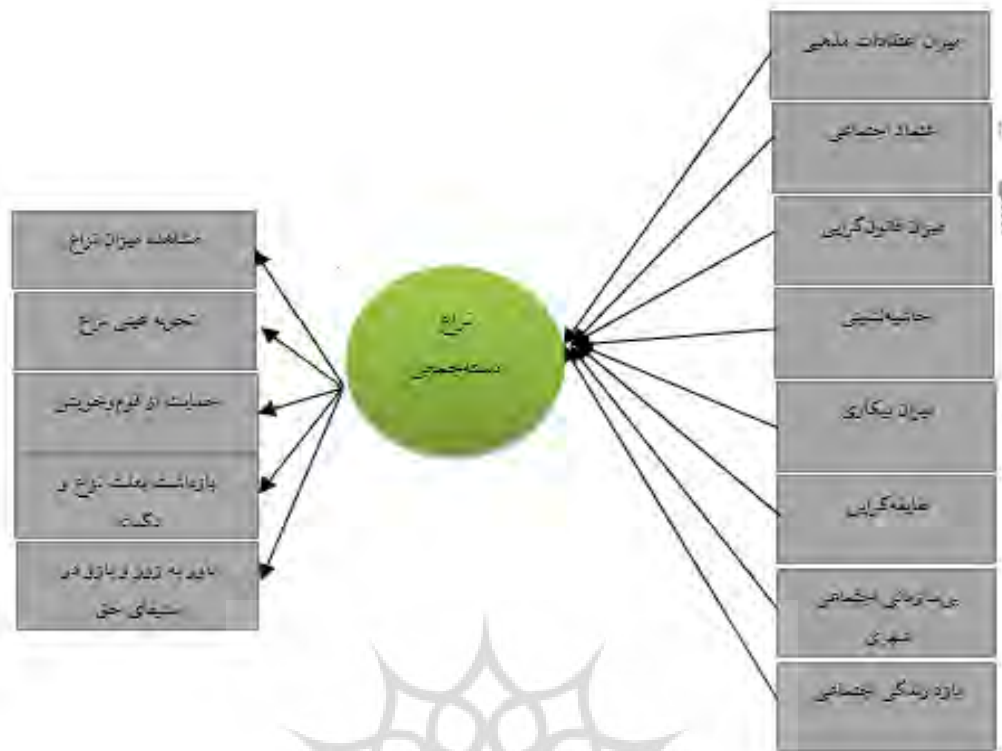
۲- **عوامل اقتصادی:** نظیر اختلافات ملکی، اختلاف بر سر آب و مزارع و باغات، سرقت احشام، تخریب اموال، بیکاری، فقر، شکاف شدید طبقاتی، تخریب و اتلاف منابع اقتصادی، تجاوز به مراتع دیگران.

۳- **عوامل اجتماعی:** تنوع قومی، پراکندگی روستا، زندگی ایلی، ساخت اجتماعی مبتنی بر دامپروری، احساس نابرابری اجتماعی، قتل، ساخت اجتماعی مبتنی بر زارعت، دفاع از جان خود، گسترش بی‌رویه حاشیه‌نشینی در شهرها، هنجار بودن پرخاشگری، هم‌پشتی طایفه‌ای، اختلاف خانوادگی، فقدان نظارت اجتماعی.

۴- **عوامل قضایی:** طولانی شدن روند امر قضاوت در نزاع، فقدان قاضی به تعداد کافی، قضاوت اشتباه، سوگیری قضات در امر قضاوت، ناکارآمدی ساختارهای دفاع از حقوق قانونی افراد، ضعف تناسب سیاست کلی قوه قضاییه با مناطق جرم‌خیز، عدم آشنایی به قوانین و

۵- **عوامل روان‌شناختی:** تشویق افراد به خشونت‌طلبی در خانواده برای دفاع از حقوق خود، ضعف در مهارت همدلی، فقدان مهارت ارتباطی و تعاملی، احساس اقتدار کاذب، پایین بودن آستانه تحمل مردم (عادلی، ۱۳۹۲: ۹۹). با توجه به مباحث نظری فوق مدل مفهومی پژوهش به شرح زیر ترسیم می‌شود:

نمودار (۲): مدل عوامل مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی



فرضیات تحقیق:

- بین بازدارندگی اجتماعی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - بین میزان اعتقادات مذهبی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - بین میزان اعتماد اجتماعی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - بین قانون‌گرایی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - بین حاشیه‌نشینی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - بین میزان بیکاری و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - بین طایفه‌گرایی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - بین بی‌سازمانی اجتماعی شهر و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی (کمی) بوده که با استفاده از ابزار پرسشنامه، اطلاعات موردنیاز در قالب طیف لیکرت (پنج گزینه‌ای) جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، حجم جامعه آماری برابر با ۶۶۰۰۰ نفر بوده که طبق فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به‌طور تصادفی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. روایی شاخص‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ تأیید و متغیرهای مستقل پژوهش شامل (بازدارندگی اجتماعی، طایفه‌گرایی، قانون‌گرایی،

حاشیه‌نشینی، میزان بیکاری، بی‌سازمانی اجتماعی شهری، اعتماد اجتماعی، میزان اعتقادات مذهبی) و متغیر وابسته (نزاع دسته‌جمعی) هستند.

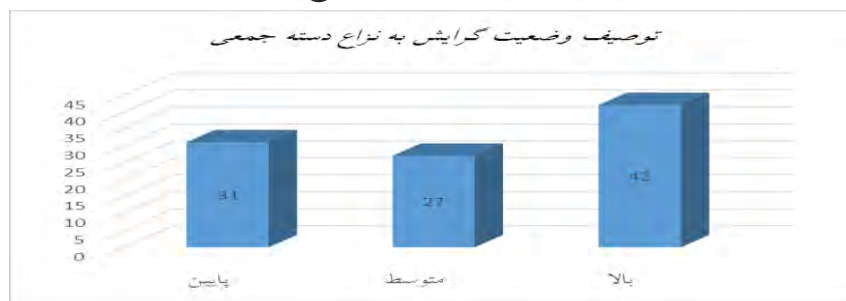
جدول (۲): ضرایب آلفای کرونباخ

نام متغیر	آلفای کرونباخ
نزاع دسته‌جمعی	۰/۷۵
بازدارندگی اجتماعی	۰/۷۳
طایفه‌گرایی	۰/۷۳
اعتماد اجتماعی	۰/۷۲
میزان اعتقادات مذهبی	۰/۷۰
میزان قانون‌گرایی	۰/۷۱
حاشیه‌نشینی	۰/۷۲
میزان بیکاری	۰/۷۱
بی‌سازمانی اجتماعی شهر	۰/۷۰

یافته‌های پژوهش:

میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۴۱/۴۴ و دامنه سنی آن‌ها بین ۱۵ - ۷۲ سال سن بوده است. ۲۹۵ نفر مرد (۷۷ درصد) و ۸۹ نفر از پاسخگویان زن (۲۳ درصد کل)، ۷۰ درصد (۲۶۸ نفر) متأهل و ۳۰ درصد (۱۱۶) از پاسخگویان مجرد می‌باشند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از افراد، بیشترین گونه نزاع را مسئله ناموسی، ۳۰ درصد مسائل شخصی و ۲۵ درصد مربوط به مسائل اجتماعی می‌دانند و ۶۱ درصد اعلام کرده‌اند که در محلاتی سکونت دارند که در آن آشنایان قدیمی و طایفه خود زندگی می‌کنند و ۲۹ درصد راضی به سکونت در مناطقی ناآشنا هستند همچنین ۶۸ درصد اعلام کرده‌اند که مناطق مرکزی و مرفه شهری میزان کمی از نزاع و خشونت را تجربه می‌کند و بیشترین نزاع‌ها مربوط به مناطق حاشیه‌نشین‌ها هستند و حتی مناطق متوسط شهر نیز گرایش به نزاع و درگیری ندارند. بر این اساس، ۳۹ درصد از افراد نزاع و درگیری، ۲۱ درصد مسائل ناموسی، ۱۱ درصد سرقت، ۱۵ درصد اعتیاد فرزندان و ۱۴ درصد نیز گرایش اعضای خانواده به انحرافات اخلاقی را جزء مسائل مهم شهری می‌دانند.

نمودار (۳): وضعیت گرایش به نزاع دسته‌جمعی



نتایج نمودار فوق حاکی از این است که نزاع دسته‌جمعی در سطح نسبتاً بالای خود یعنی برابر با ۴۲ درصد می‌باشد. مطابق آمارهای موجود در استان اردبیل، شهرستان مشکین نسبت به سایر شهرستان‌ها، میزان بالایی از نزاع دسته‌جمعی را به خود اختصاص داده است.

جدول (۳): یافته‌های آماره‌های توصیفی میزان آزمون نرمال

متغیر (varibel)	میانگین (mean)	انحراف معیار (std.deviation)	میزان آزمون نرمال ((z)normal)	سطح معناداری (sig)
نزاع دسته‌جمعی	۵۸۷	۱۰/۶۹۶۷۲	۰/۰۳۲	۰/۲۰
بازدارندگی اجتماعی	۱۷/۴	۲/۴۰	۰/۱۰۷	۰/۵۴
میزان اعتقادات مذهبی	۲۲/۷	۵/۰۰۱	۰/۰۵۸	۰/۴۱
اعتماد اجتماعی	۳۸/۳	۹/۷۲	۰/۰۴۹	۰/۳۱
میزان قانون‌گرایی	۱۵/۳	۲/۴	۰/۰۷۷	۰/۱۵
حاشیه‌نشینی	۷۶/۴	۱۰/۶	۰/۰۴۸	۰/۰۵۷
میزان بیکاری	۲۹/۸	۱۰/۲	۰/۰۵۳	۰/۰۶۳
طایفه‌گرایی	۱۰/۸	۲/۸	۰/۰۷۲	۰/۶۰
بی‌سازمانی اجتماعی شهری	۱۰/۸	۲/۴	۰/۰۹۹	۰/۱۱

یافته‌های جدول (۳) نشان‌دهنده آزمون نرمال بودن متغیرهاست. با توجه به Sig اکثر موارد بیشتر از ۰/۰۵ = بوده و نشان‌دهنده نرمال بودن آزمون و بهره‌گیری از آزمون پارامتریک می‌باشند.

جدول (۴): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ۲

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون ۲	Sig سطح معناداری	N تعداد معتبر
بازدارندگی اجتماعی	۰/۳۴۱	۰/۷۰۴	۳۸۴
میزان اعتقادات مذهبی	-۰/۲۵۶	۰/۰۱۰	۳۸۴
اعتماد اجتماعی	-۰/۳۵۲	۰/۰۰۲	۳۸۴
میزان قانون‌گرایی	-۰/۶۳۱	۰/۰۰۲	۳۸۴
حاشیه‌نشینی	۰/۴۵۷	۰/۰۲۱	۳۸۴
میزان بیکاری	۰/۱۹۷	۰/۰۰۰	۳۸۴
طایفه‌گرایی	۰/۳۴۸	۰/۰۰۰	۳۸۴
بی‌سازمانی اجتماعی شهری	-۰/۴۲۵	۰/۰۰۳	۳۸۴

- نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین بازدارندگی اجتماعی و نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.
 - یافته‌ها نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان اعتقادات مذهبی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و این رابطه در سطح معنی‌داری ۰/۰۱۰ برابر با ۰/۲۵۶- می‌باشد که رابطه معکوس است؛ یعنی هر چه افراد مذهبی‌تر، احتمال اینکه گرایش کمتری به نزاع دسته‌جمعی داشته باشند، زیاد است و برعکس هر چه از سطح مذهبی بودن افراد کاسته شود به همین منوال به میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی در آن‌ها افزوده خواهد شد.

- برحسب یافته‌ها، بین اعتماد اجتماعی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۵٪ و سطح همبستگی ۰/۳۵۲ - رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی هر چه اعتماد بین افراد پایین‌تر باشد به همان میزان گرایش به نزاع نیز بیشتر خواهد شد. اعتماد به‌عنوان پيله حفاظتی در برابر رفتارهای خشن و ویرانگر محسوب می‌شود و به‌جای خشونت به حل‌وفصل اختلافات گروهی و شخصی از طریق مذاکره، گفتگو، میانجیان و بحث و شنود می‌پردازد. در صورتی با زوال اعتماد بین فردی با فروپاشی سازمان اجتماعی روبرو خواهیم شد و نتیجه آن افزایش زدوخورده اجتماعی است. اعتماد به‌عنوان شیرازه اجتماعی و عامل حفاظتی انسان‌ها در روابط اجتماعی است و تضعیف آن در بین انسان‌ها منجر به تشدید خصومت و تنش اجتماعی می‌شود.

- نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان قانون‌گرایی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۵٪ برابر با ۰/۶۳۱- می‌باشد. در نتیجه هر چه مردم قانون‌گراتر، میزان گرایش مردم به نزاع و درگیری کمتر خواهد شد. قانون‌گرایی با نزاع دسته‌جمعی رابطه‌ای معکوس دارد. وقتی افراد به‌جای پیروی از عرف از قانون پیروی نمایند در نتیجه از سطح اختلافات اجتماعی کاسته خواهد شد.

- یافته‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین حاشیه‌نشینی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در سطح معنی‌داری ۰/۰۲۱ برابر با ۰/۴۵۷- می‌باشد؛ یعنی رابطه معکوس و قوی بین دو متغیر فوق وجود دارد؛ یعنی هر چه جامعه حاشیه‌شین‌تر، میزان گرایش به نزاع و خشونت نیز بیشتر خواهد شد.

- نتایج آزمون فوق نشان می‌دهد که بین میزان بیکاری و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و این رابطه برابر با ۰/۱۹۷- است. رابطه‌ای مستقیم و معنادار بیکاری و گرایش به نزاع بیان می‌کند در جامعه هر چه سطح بیکاری بالاتر رود به‌موازات آن سطح گرایش مردم به نزاع و درگیری نیز بیشتر خواهد شد. نزاع زائیده مسئله بیکاری است. در جوامعی که مردمان به فعالیت‌های متعددی مشغول هستند و وقت چندانی به مسائل حاشیه‌نمی‌گذرانند و به خاطر منزلت شغلی از اقدام به رفتارهای ضد منزلت و شغل خود اجتناب می‌کنند.

- نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که بین طایفه‌گرایی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار این ضریب همبستگی در سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۵٪ برابر با ۰/۳۴۸- می‌باشد. وجود رابطه طایفه‌گرایی با نزاع دسته‌جمعی مبین این است که همبستگی درون‌گروهی و وابستگی به ایل و طایفه خود باعث بروز شکاف و فاصله اجتماعی بین افراد جامعه گردیده است که منجر به افزایش درگیری و تضاد اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

- نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین بی‌سازمانی اجتماعی شهری و گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار این ضریب برابر با ۰/۴۲۵- است. بی‌سازمانی اجتماعی شهری به مفهوم به‌بهم ریختگی و عدم تعادل در فضای شهر می‌باشد. وقتی شهر با اصول مناسب اجتماعی-اقتصادی مدیریت نشود، حاصل آن رواج بی‌سازمانی اجتماعی و افزایش تخاصم در بین شهروندان خواهد بود.

جدول (۵): نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی

سطح معناداری sig	آماره t	ضرایب استاندارد نشده		مدل	
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده B		
۰/۴۰۳	۰/۵۱۲	۰/۲۳۱	۰/۳۳۷	۱/۹۶	بازدارندگی اجتماعی
۰/۰۰۰	۷/۲۵۴	۰/۵۰۷	۰/۴۴۶	۳/۲۳	میزان اعتقادات مذهبی
۰/۰۰۳	۱۰/۷۶۸	۰/۳۶۷	۰/۴۲۰	۴/۳۵	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱	۳/۵۱۸	۰/۳۵۹	۰/۴۲۰	۳/۵۷	میزان قانون‌گرایی
۰/۲۴۱	۰/۰۲۵	۰/۱۷۱	۰/۰۴۲	۰/۰۹۷	حاشیه‌نشینی
۰/۰۱۱	۰/۳۱۷	۰/۱۴۱	۰/۱۵۸	۳/۵۰	میزان بیکاری
۰/۰۰۰	۲/۶۰۱	۰/۳۱۸	۰/۲۸۳	۲/۶۵	طایفه‌گرایی
۰/۰۰۳	۰/۴۱۶	۰/۲۹۷	۰/۴۰۱	۴/۸۷	بی‌سازمانی اجتماعی شهری

جدول (۵)، نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل را به تفکیک نشان می‌دهد. با توجه به اوزان بتای به‌دست‌آمده، متغیرهای مستقل (میزان اعتقادات مذهبی، قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، میزان بیکاری، طایفه‌گرایی، بی‌سازمانی اجتماعی شهری) با متغیر وابسته (نزاع دسته‌جمعی) دارای ارتباط معنی‌دار هستند و در مدل باقی می‌مانند. بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته مربوط به متغیر میزان اعتقادات مذهبی با ضریب بتای (۰/۵۰) می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نزاع دسته‌جمعی مسئله اجتماعی و زاییده کژ کارکرد نهادها و بی‌سازمانی اجتماعی است. نزاع دسته‌جمعی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن عده‌ای بیش از دو نفر باهم سرسازگاری نداشته و در تعارض اجتماعی باهم قرار می‌گیرند. اعتماد اجتماعی به مفهوم حضور صداقت، اطمینان و باور به‌پیش‌بینی پذیرش کنش‌های اجتماعی دارد. این امر به‌مثابه تسهیلگر مناسبات اجتماعی عمل می‌کند و هرگونه خدشه و آسیب به آن، زمینه‌ساز تفاهم، تناقض و خصومت خواهد، به‌ویژه در محلاتی که متکی بر روابط صمیمی، قومی و خویشاوندی هست، اعتماد اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند، با کاهش اعتماد اجتماعی در بین شهروندان، احتمال افزایش نزاع و درگیری نیز وجود دارد، زیرا گفتگو و مذاکره جای خود را تنش و تخاصم می‌دهد که با یافته‌های پژوهشی حسینی (۱۳۸۳)، اسملی (۲۰۰۳)، آنتون (۲۰۰۲)، مور (۱۹۹۲) همخوانی دارد. اعتماد اجتماعی یعنی وجود شبکه‌های اجتماعی که مردم از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با همکاری یکدیگر کارهای مختلفی را به سرانجام می‌رسانند. اعتماد اجتماعی شبکه‌های درهم‌تنیده از هنجارها، ارزش‌ها و ادراک‌های مشترک موجود در یک جامعه است که همکاری و تعامل بین افراد را تسهیل می‌کند. حال اگر این شبکه دچار افت یا کاهش در بازتولید گردد، می‌تواند عامل بروز رفتارهای نابهنجار و انحرافات اجتماعی گردد. هنگامی که فرد روستایی وارد محیط شهری می‌شود با شرایط و مقتضیات جدیدی روبه‌رو می‌گردد که او را مجبور می‌کند قبیله و خویشاوندان روستایی را کنار بگذارد و به عضویت گروه جدید درآید. این سستی یا گسست در پیوندهای فرد مهاجر با گروهی تعلق قبلی، باعث کم‌رنگ شدن و تأثیرگذاری کمتر سنت‌ها و

ارزش‌های فAMILI یا جمعی می‌شود و در ادامه به ازهم‌پاشیدگی مجموعه نظام سنتی گرایش‌ها، ارزش‌ها، باورها و تصاویر ذهنی جمعی منجر می‌شود. از خصوصیات فرهنگ قبیله‌ای خویشاوند گرایی و روحیه ستیزه‌جویی است. در چنین شرایطی ناهمگونی‌ها در همگونی‌ها غرق می‌شوند و ناخودآگاه جمعی بر عقلانیت فرد ارجحیت می‌یابد. فردی که به طایفه خویش تعلق خاطر دارد به‌طور ناخودآگاه تعصب و خشونت طایفه‌ای به آن سرایت و تلقین می‌شود. در چنین فضایی است که دیده می‌شود فرد مهاجر که مدت‌ها در فضای مدرن در محلات مختلفی سکنی گزیده، در درگیری و دعوی طایفه‌ای، همچنان نقش‌آفرینی کرده و حمایت خود را از خویشاوندان و طایفه خود ادامه می‌دهد. مشکین‌شهر، شهری مهاجرپذیر است. به همین دلیل گروه‌های اجتماعی اعم از روستایی، عشایری، مهاجران شهری و کارگران و سایر خرده‌فرهنگ‌ها در حاشیه شهر زندگی می‌کنند، تفاوت فرهنگی این قشر، زمینه بروز تعارض اجتماعی، ستیزه‌گری و نزاع را نیز دامن می‌زند که با یافته‌های پژوهشی صدیق سروستانی (۱۳۸۷)، رامی (۲۰۱۲) و عبدل عزیز (۲۰۱۳)، احمدی اوندی (۱۳۹۴) و درویشی (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. قانون به ضوابط و قواعد مکتوبی اطلاق می‌شود که توسط اعضای جامعه جهت تعیین مجازات کج‌روان آن تصویب‌شده تا افراد را به ملزم به هم‌نویی با اهداف و هنجارهای اجتماعی نماید. آگاهی از قانون جامعه در نیل به هم‌نویی با آن تأثیرگذار است. وقتی شهروندان یک جامعه با ویژگی، کارکرد و ضوابط قانونی آشنا نباشند، جهل و نداشتن شناخت کافی نسبت به قانون منجر به بیگانگی با قانون و افزایش تعارض اجتماعی خواهد شد. قوانین اجتماعی عنصری پویا، در حفظ نظم اجتماعی، نگهداشت امنیت و تقویت پیوند اجتماعی تلقی می‌گردد، عدم هم‌نویی با اهداف قانون، باعث ترویج اخلاق فردگرایی در جامعه شده و به موازات آن، تضاد و درگیری نیز بروز می‌کند. اصلی‌ترین کارکرد قانون، مدیریت روابط انسان‌ها، سمت‌وسو بخشیدن به کنش‌ها و تدوین سازوکار مقابله با نزاع و درگیری آن‌هاست. ضعف در قانون‌پذیری افراد، نشان از حضور و وجود علقه‌های سنتی نظیر حمایت‌های طایفه‌ای، باورهای گذشته، بی‌هویتی، ناتوانی در پذیرش هنجارهای جامعه مدنی نوین، فقدان تطابق با خواسته‌های فضای مدرن جامعه است که در افزایش تنش اجتماعی و ظهور خرده‌فرهنگ‌ها، اراذل‌و‌اوباش شهری و تبدیل آن‌ها به عضوی یاغی‌گر و شورش‌ی اثرگذار عمل می‌کند که با مطالعات نیازی و عشایری (۱۳۹۴)، نیازی و همکاران (۱۳۹۵) و درویشی (۱۳۹۴)، همخوانی دارد. مناطق حاشیه به مناطقی اطلاق می‌شود که به‌صورت زاغه‌ای، آلونک‌نشین و با ساخت‌وساز غیرقانونی بوده و اکثر افراد بزه‌کار، مهاجرین روستایی، شهری، بیکاران، معتادان، انسان‌های پرخاشگر، مطلقه‌ها، بی‌خانمان، کارگران شهری، آوارگان خیابانی، یابندگان مشاغل کاذب، گدایان شهری، روسپیگران و سایر افرادی که با حقوق شهروندی آگاهی زیادی ندارند در آنجا متمرکز شده‌اند. مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینی با نزاع رابطه مستقیم و نزدیک دارد که نتایج حاصل از پژوهش‌های گیدنز و بردسال (۱۳۸۶)، لوئیس (۱۳۵۶) و احمدی و محمدتقی (۱۳۸۳) را مورد تأیید قرار می‌دهد. بی‌سازمانی اجتماعی شهری نوعی از مدیریت نامناسب شهری است که منجر به ظهور خرده‌فرهنگ ضد نظم، رفتارهای خشن و سکونت بی‌برنامه در اطراف شهر شده و زمینه‌ساز نزاع و درگیری می‌شود. بین بی‌سازمانی شهری و نزاع دسته‌جمعی رابطه

معنی داری وجود دارد. میان انبوه مسائل شهری که جوامع، با آن دست‌به‌گریبان هستند؛ از روسپی‌گری و خریدوفروش مواد مخدر گرفته تا کودکان خیابانی و متکدیان و نوجوانان فراری و خانواده‌های آسیب‌دیده و بی‌خانمان و سرقت و نزاع‌های خیابانی و تجاوز جنسی و مزاحمت خیابانی و آدم‌ربایی و تا حاشیه‌نشینی و محلات کثیف و مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی در مناطق پایین و تا مشاغل کاذب و چند شغلی بودن و کار سالمندان و کودکان و تا ترافیک شهری و وندالیزم جمعی؛ تمامی این مسائل به مدیریت نامناسب شهری نیز ارتباط دارد. گسترش شهرها و تراکم اجتناب‌ناپذیر جمعیت در آن‌ها و در پی آن افزایش بزهکاری و اختلالات رفتاری، ساکنان شهرهای بزرگ و پرجمعیت موجب شده است. در شهرها، وجود موانع فیزیکی مثل نرده، حفاظ و جداول در نظر افراد ایجاد خشونت کرده و در درازمدت تأثیر خود را در رفتار مردم نمایان می‌سازد، بنابراین حذف دیوارهای بلند و نرده‌ها در محیط، خصوصاً دیوار پارک‌ها و ایجاد تنوع رنگ و نورپردازی صحیح، گل‌کاری، به کار بردن رنگ در ایجاد آب‌نماها و فواره‌های زیبا، تغییر رنگ چراغ‌های پارک از سفید به زرد آفتاب‌گون می‌تواند از اقدامات مهم و مؤثر در زمینه فراهم نمودن محیطی آرام‌بخش برای ساعاتی در روز و شب، جهت رفع خستگی و گذران اوقات فراغتی دلپذیر باشد؛ بنابراین فضای سبز در ایجاد تعادل عصبی انسان نقش مؤثر و عمده‌ای ایفا می‌کند که با نتایج پژوهشی رایس (۲۰۰۹)، ستورت (۲۰۱۴)، پیران (۱۳۸۰)، فکوهی (۱۳۸۸)، معیدفر (۱۳۹۲)، گیدنز (۱۳۸۷) و صدیق سروستانی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد، مبنی بر اینکه بی‌سازمانی اجتماعی شهری از جمله وجود مخروبه‌ها، محلات شلوغ، فقدان حضور پلیس به صورت منظم و مهاجرت و ناهمگونی محلات خود منشأ اصلی نزاع و درگیری و تنش بین افراد است. پیدایش روحیه تضاد و مبارزه‌طلبی از خصایص اصلی بیکاری است. به دلیل عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری، روحیه تضاد و مبارزه منفی به سهولت در بین حاشیه‌نشینان شهری شکل می‌گیرد و آن‌ها را نسبت به هنجارهای اجتماعی بی‌تفاوت می‌سازد. بیکاری ضمن پایین آوردن عزت‌نفس، انزوای اجتماعی و طرد فردی، منجر به ایجاد تنش در سطح خانواده و جامعه می‌گردد که این مسئله در مناطق حاشیه‌نشین، شهرهای در حال توسعه و محروم تبدیل به مسئله اجتماعی شده است. پس بوی جرم از بستر حاشیه‌نشینی برمی‌خیزد و در واقع زمینه‌ساز جرائم محسوب می‌شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میزان اعتقادات مذهبی با گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معنی‌دار و معکوسی داشته است. به این معنی که مذهب، نقش کنترل‌گر درونی و ساماندهی کنش‌های اجتماعی را بر عهده دارد. افرادی که از علقه مذهبی برخوردار هستند، نوعی تعهد اجتماعی و اخلاقی را در ارتباط با دیگران ایجاد می‌نماید، همین امر آن‌ها را از گرایش به رفتارهای نامناسب و ضد اخلاق نظیر نزاع و درگیری جلوگیری می‌کند که با نتایج پژوهشی عابدینی و همکاران (۱۳۹۲)، درویشی (۱۳۹۴) و توسلی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

۱- تقویت اعتماد اجتماعی بین شهروندان، نظام‌های رسمی و نهادهای انتظامی

۲- تقویت سرمایه‌گذاری در شهر و جذب بیکاران در بدنه اقتصادی جامعه

- ۳- مدیریت مناطق حاشیه‌نشین شهری، سازمان‌دهی سکونتگاهها و جذب آنها در ساختار شهری مدرن
۴- برخورد با قانون‌شکنان و افرادی که در جریان نزاع‌های گروهی مشارکت کرده‌اند.
۵- آموزش شهروندان در جهت بردباری، سپردن مسائل اختلاف‌برانگیز به نهادهای قضایی-انتظامی
۶- آموزش ارج و منزلت قانون، پلیس و نظام قضایی در تأمین آرامش و استیفای عادلانه حقوق افراد

منابع

- ابراهیمی، جعفر و قلی‌زاده، پروین (۱۳۹۲)، فرا تحلیل تحقیقات انجام‌گرفته در زمینه نزاع دسته‌جمعی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، سال سوم، شماره دوازدهم
- احمدی اوندی، ذوالفقار (۱۳۹۴)، مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه)، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد توسعه روستایی گرایش مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت
- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۳)، فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد نوزدهم، شماره ۲
- اسلامی بناب، سید رضا (۱۳۸۸)، بررسی امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تبریز.
- بورديو، پیر (۱۳۹۲)، تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر سلام
- پور افکاری، نصرالله (۱۳۸۳)، نزاع‌های جمعی محلی، مجموع مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران پیران، پرویز (۱۳۸۰)، جنبش‌های اجتماعی شهری با نگاهی به شرایط ایران، ماهنامه آفتاب، شماره‌های ۲، ۴،
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۹۲)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات مرنديز و بهمن برنا
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی دینی، تهران: سخن
- حاتمی نژاد، حسین، بابر، منصوری و محمد فعلی (۱۳۹۲)، تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت سپهر دوره بیست و دوم پاییز شماره ۸۷
- حبیب زاده، جعفری، محمدجعفر، عباس (۱۳۸۸)، تحلیل رکن‌های جرم منازعه، تازه‌های علوم جنایی، تهران: نشر میزان
- حسینی، سید رضا (۱۳۸۳) بررسی آمار جرائم در ایران: آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران مجموعه مقالات اولین همایش ملی
- درویشی، زهرا (۱۳۹۴)، مطالعه ریشه و پیامدهای وقوع نزاع دسته‌جمعی، شهرستان هندیجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی تهران.

- رضایی، احمد و احمدلو، حبیب (۱۳۸۴)، نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی بررسی جوانان تبریز و مهاباد، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، صص ۳۵-۷
- رنجبرسقزچی، میر مصطفی (۱۳۹۵)، بررسی گرایش به نزاع و درگیری فردی و جمعی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اردبیل) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۲)، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور
- سختوت، جعفر (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- شارون، جوئل (۱۳۸۸)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی
- شاطریان، محسن، نیازی، محسن و عشایری، طاها (۱۳۹۴)، عوامل اجتماعی^۰ فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای (مورد مطالعه: عشایر ایل پیچیک، شهرستان اهر)، فصلنامه توسعه اجتماعی چمران اهواز، سال دوم، شماره ۶
- شامپاین، پاتریک (۱۳۸۹)، بوردیو، تحلیلگر قدرت نمادین ترجمه ناهیده مؤید حکمت، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شاه‌حسینی، ماهرو (۱۳۸۲)، مطالعه و بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی در عملکرد انجمن‌های اعتبار گردشی زنان در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر سمت
- عابدینی، صمد، ابراهیمی، جعفر و قلی زاده، پروین (۱۳۹۲)، فرا تحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینه درگیری‌های دسته‌جمعی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۲۲-۷
- عادلی، علیرضا (۱۳۹۲)، نزاع، علل، پیامدها و راهکارها، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- عباس زاده، محمد؛ محمدباقر علیزاده اقدم؛ سیدرضا اسلامی بناب (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۱۴۵-۱۷۲
- عبداللهی، محمد و موسوی، میر طاهر (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۵
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: نشر جامعه‌شناسان
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵)، انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، اعتماد اجتماعی و سرمایه در جامعه مدنی، ترجمه حسن پویان، تهران: نشر
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر
- کاوه، محمد (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، تهران: نشر جامعه‌شناسان
- کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۹۱)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی

گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و تأثیران بر سیاست‌گذاری عمومی. ترجمه مرتضی نصیری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی

لوئیس، اسکار (۱۳۵۴)، فرهنگ فقر و شناخت آن، ترجمه رجب‌علی جاسبی، تبریز: کتاب‌فروشی نوبل

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵)، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی. تهران: علم

معدفر، سعید (۱۳۸۹)، مسائل اجتماعی ایران، تهران: نشر علم

معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، تهران: نشر سرایش

ممتاز، فریده، (۱۳۸۵)، انحرافات اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار

میر فردی، اصغر (۱۳۸۸) عام‌گرایی و زمینه‌های تأثیرگذار بر آن در مناطق در حال توسعه، مورد مطالعه: شهر یاسوج پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه

نیازی، محسن و عشایری، طاها (۱۳۹۴)، نزاع دسته‌جمعی در جوامع عشایری ایران، تهران: سخنوران

نیازی، محسن، کارکنان نصرآبادی، محمد و عشایری، طاها (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: سخنوران

Abdelaziz, Khalid (2013). "Darfur tribes' battle for gum arabic trade leads to 64 deaths". The Guardian.

Agnew, R, (1999): A General Strain Theory of Community Differences in Crime Rates, Journal of Reserech in Crime and Delinquency, Vol. 36, No. 2.

Anton, John (2002). The Social Contract. p. 42.

Boyd, Neil (2012). The Empirical Evidence for Declining Violence". The Huffington Post.

Degomme, Olivier & Guha-Sapir, Debarati (2010). "Patterns of mortality rates in Darfur conflict. The Lancet.

Herman, Edward S. Peterson, David(2012) "Steven Pinker on the alleged decline of violence". International Socialist Review 86.

Horgan, John (2011). Will War Ever End? Steven Pinker new book reveals an ever more peaceable species: humankind. Slate Magazine.

James, Paul; Friedman, Jonathan (2006). Globalization and Violence, Vol. 3: Globalizing War and Intervention. London: Sage Publications.

Parenti, Christian (2011). Tropic of Chaos: Climate Change and the New Geography of Violence. Nation Books. p. 103. ISBN 978-1-56-858600-7.

Pinker, Steven(2014) "The Decline of Violence". IAI. Retrieved 3 January 2014.

Rami, Al-Shaheibi, (2012). "Witnesses: Tribal clashes in Libya kill scores". The Boston Globe. Associated Pres.

Rice, Xan (2009). Women and children targeted in Sudan clash leaving 185 people dead". The Guardian (London).

Smalley R. E (2003) Top Ten Problems of Humanity for Next 50 Years", Energy & NanoTechnology Conference, Rice University.

Stuart, Casey-Maslen (2014). The War Report: Armed Conflict in 2013. Oxford University Press. p. 411. ISBN 9780191037641.

Zeb, Rizwan (2011). "Traditional Power Structure and Ethnopolitical Conflict in Baluchistan: Target Killing of Punjabi Settlers as a Case Study" (PDF). Australian Political Science Association Conference. ANU College of Law.

